

بررسی یک متن سغدی مسیحی دربارهٔ فروتنی

نگین صالحی‌نیا

در میان مجموعه‌ای از متون سغدی مسیحی که سیمز ویلیامز در سال ۱۹۸۵ میلادی تحت عنوان دست‌نوشتهٔ سغدی مسیحی C2 منتشر ساخت (Sims -Williams 1985b)، متنی کوتاه در توصیف فروتنی به چشم می‌خورد.

بخش نخست این متن، که بر پشت برگ شمارهٔ ۹۱ (f.91V) نسخهٔ C2 نوشته شده، دربردارندهٔ سطرهای آغازین یکی از خطابه‌های ابا اشعیا (Abba Isaiah) دربارهٔ فروتنی است. ابا اشعیا (متولد مصر، قرن چهارم میلادی) از نویسندگان برجستهٔ متون زاهدانه به شمار می‌آمد و در بیابان سِت (Scete)، واقع در مصر، عزلت اختیار کرده بود. پس از درگذشت وی، یکی از شاگردانش نوشته‌ها و گفتارهای وی را در کتابی به نام *آسکیتیکُن* (*Asketikon*) گرد آورد. این اثر، که در شکل‌گیری عرفان و معنویت مسیحیت شرقی تأثیر بسزایی گذاشت، در اصل به یونانی نوشته شده بود، اما بعداً به زبانهای مختلف ترجمه شد (Sims -Williams 1985a, p. 70). عنوان نسخهٔ عربی این اثر وصایاست (Schwarz 1967, p. 20).

بخش دوم متن، که بر روی برگ شمارهٔ ۹۴ (f.94R) نسخهٔ C2 نوشته شده، ترجمهٔ سغدی قسمتی از یکی از نامه‌های ماکاریوس مصری (Macarius the Egyptian)، راهب سربانی زبان قرن چهارم میلادی، است (Sims -Williams 1985b, p. 165). در این بخش، مزایای فروتنی ذکر و مثالهایی از زندگی پدران روحانی عرضه شده است.

در بررسی این متن، نخست، حرف‌نویسی آن از کتاب سیمز ویلیامز نقل و سپس

آوانویسی آن عرضه شده است.^۱ آن‌گاه، متن ترجمه شده و توضیحاتی دربارهٔ آن آمده است. در ترجمه، واژه‌هایی که داخل پرانتز قرار دارند در متن سغدی وجود نداشته و صرفاً به منظور روشن‌تر شدن ترجمه اضافه شده‌اند. همچنین، سیمزویلیامز، برای جبران افتادگیهای متن سغدی، ترجمهٔ خود را با مقابلهٔ اصل سریانی متن کامل کرده است. در ترجمهٔ فارسی این قسمت‌ها، ترجمه‌های تکمیلی سیمزویلیامز ذکر شده و با قلم سیاه مشخص شده‌اند.

حرف‌نوشت متن سغدی

(91V)

10 [ty]m cn 'b' šyγ'. — cn nyznty' (p)[y](d'r)- : - cw xcy [nyznty'. nyznty']
11 [xcy] (q)t (pc)mr(y) x[(p)θ] (γ)ryw xw(mrtx)[my q](t)[qt]('n)[y q'ry xcy]
(about 19 lines missing)

(94R)

1]xwny bwžbr cw w'b'(z)
2]c(y)m)t(' zrys'z) qw sm'ny s'. yw'r
3]bγ(')my prm'nty' wn'(n)qt'ny q'ry.
4 cy]wyd. šyrw xcy nwqr qt b't 'dy
5 q](t) pr ršty'q nyznt m't... 'tcywyd
6 pys[tyt bym byqp'r qr'n c'nw nyznty'
7]'t pr šw'mc. p't sty šw'mc qy
8 [= . 't xypθ cymt' pš'tyt d'rym c's'.
9 [p't sty tqwš'mnty q](y) pwn xcy wrzywy'. xwy'r qfšw.r'θy
10 [šw'mc qy pw čn w're](γ)wbty'. p'tsty r'θy šw'mc qy pwn
11 [xcy w're γwbty'. myd](')yšt byrd'rym cn pwstyty. :- šy'
12 ['br'mnty 't zprtt 'dyt](y) šw'mc.m'tywt(r qy n)'m'z pmbw
13 [ptry. 't wytw ycy cyw](py)d'r. qy šy srd mwnw (r)yžxwž^b cn
14 [bγ'. qt n' γwb t'm' pr](z)'y. 't w'nw γwb 'w xw byy (qt ny)
15 [tqwšt wn'z 'dy pr wyny ryt. c]n przr γwbty'. qy m't pr wyn(y)
16 [ryt. 't dbtyq p]t(ry) m't qy (p)t(q)šc d'r'z xypθ γryw 't qt[y]
17 [n'mqyn pr qθ. 't](m)'t wyny mzyx γwbty'. 't nyšty'tw(b)' qyw (s')

(۱) آوانویسی این متن بر پایهٔ فرهنگ سغدی تألیف دکتر بدرالزمان قریب (۱۳۷۴) صورت گرفته است.

- 18 [qt ywtr cn zpr]tt 'dyty ftyrtysq c(ym)yd fcmbyd. 'ys (šw)
 19 ['prs pyn]m(s)' mnt ftyr't. 't 'y'zt šm'rt yxypθy m'ny. qt
 20 [pr](m)yθ šw'n nyž'n. swdntq' pr'm' mrtxmyt 't my γwbty'
 21 (b)wtq'. 't my m'n xwcy ny bwtq prymyd. (y)w'rt šwnq' b(y'r'w)
 22 t'ry nγ'my qt 'dy ny wynt t'm' 't nyžy (b'y)'rw t'ry cn (xypθ)
 23 (kw)rĥ' c'(nw q)'m'z (q)t pγwšty š(wy) 't ywny cn (b)y'(dw)'(fryš)'
 24 (f)šmtyt bnt 't wšnty prw dmyrt 't šy rwxšny'q d'r'znt(.)
 25 ('t) ywny swdnt s't qθ c'nw w(ynn)t wyd γwbty' 't c'n(w) xw
 26 q'm w'n qt pryžy cn γwbty' f(y)'tr γwbty (b)' 't (p)[rymyd](š)pty
 27 b' xyd qy npxštw sty. qt xwny qy γmy'(w)n't x(y)pθ (γtyw)
 28 ptrztyq'.

آوانوشت متن سغدی

(91V)

10. tīm čan abā ašyā čan nizandyē pišār čū xači nizandyā nizandyā
 11. xači kat pačmarē xēpθ γrīw xō martəxmē kat kətānī-kārē xači

(94R)

1. xōnē βōžβar čū wāβāz
 2. čimta z(ə)rišāz kō (a)smānī sā ya/iwār
 3. βaya mē parmāndyā wana n-kətānī-kārē.
 4. čiwēd širu xači nūkar kat βāt ādē
 5. kat par raštyāk nizand māt. at ciwēd
 6. pyastēt βēm βēkpār krān čānu nizandyā
 7. at par šwāmč. pāt sti šwāmč kē
 8. at xēpθ čimta pəšātēt dārēm čāsā.
 9. pāt sti t(ə)kōšāmandē kē pūn xači warzēwyā. xuyār kašsu rāθī
 10. šwāmč kē pū čan wārē γūβtyā pāt sti rāθī šwāmč kē pūn
 11. xači wārē γūβtyā. mēd ēšt βīrdārēm čan pōstētī. šyā
 12. āβarāmandē at zpart(t) ādētī šwāmč. māt yūtar kē nāmāz pambo
 13. p(i)tari. at waydu iči čiyu pišār. kē šē sarδ mīnu rēž xōž čan
 14. βaya. kat nā γōβ tāmā par zāy. at wānu γōβ (a)wu xō βayi kat nē
 15. t(ə)kūšt wanāz ādē par wēne rēt. čan parzar γūβtyē. kē māt par wēne
 16. rēt. at δβitūk/δiβdīk p(i)tari māt kē patkašč dārāz xēpθ γrīw at krti
 17. nām-kēn par kaθ. at māt wēne mazēx γūβtyā. at ništāyātō βā kiyu sā

18. kat yūtar čan zpart ādētī f(a)tirtisk čimēš f(ə)čambađī ēš šu
19. āprs pīnamsā maṇd f(a)tirāt. at āyāzt šmārt y-xēpθī mānī. kat
20. par mēθ šawān nižān. sōđandkā parāmā(k) martəxmēt at mē yūštyā
21. βōtkā. at mē mān xuči nē βōtk parimēš. yiwār šawānkā βyāru
22. tārē niyāmī kat ādē nē wēnāt tāmā at nižay βyāru tārē čan xēpθ
23. koṛhē. čānu kāmāz kat patyuštē šawē at yōnē čan βaya dōwā frēštā
24. f(a)šamtēt band at wišande paru šamtērt at šē roxšnyāk dārāzand.
25. at yōnē sōđand sāt kaθ čānu wēnand wēš yūštyā at čānu xō
26. kām wān kat parēčē čan yūštyā f(a)yātar yūβdē βā at parimēš (a)spatē
27. βā xēš kē nipaxštu sti. kat xōnē kē yamyā wanāt xēpθ θrīw
28. patraztikā.

برگردان فارسی

برگ ۹۱، پشت

و نیز (سخنی) از ابا اشعیاً دربارهٔ فروتنی: فروتنی چیست؟ فروتنی این است که انسان دربارهٔ نفس خویش (چنین) بیندیشد که گناهکار است...
 (حدود ۱۹ سطر از بین رفته است)

برگ ۹۴، رو

... آن باج‌گیر چه می‌گفت. او حتی چشمانش را به سوی آسمان برنگرداند بلکه بر سینه‌اش کوفت، در حالی که چنین می‌گفت: «ای خداوند، من گناهکار را عفو کن!» و این (یکی) بیشتر از دیگری عذرش پذیرفته شد. پس خوب است که یک نفر (۵) در باطن فروتن باشد، یعنی که به راستی فروتن باشد.^۲ و سپس... در ظاهر آراسته شویم، هنگامی که فروتنی نشان دهیم در پوشش، در کلام و در رفتار (مان)، زیرا رفتاری هست که در آن غرور وجود دارد و ما چشمان خویش را به سمت پایین فرو نگه می‌داریم، زیرا نگرشی وجود دارد که از غرور آکنده است. (فروتنی چون) کفشی سبک (است) برای (۱۰) طیّ راهی که عاری از شکوه توخالی باشد، زیرا راهی (نیز) وجود دارد که از شکوه توخالی آکنده است. این چیزها را از کتب (مقدس) برگرفته‌ایم.

یادآوری و (شرح) روش زندگی قدیسن

یکی بود که پدر پامبو نام داشت و دربارهٔ او (چنین) گفته‌اند که به مدت سه سال از خداوند می‌خواست که: «مرا روی زمین شکوه ارزانی مدار.» و خداوند او را چنان شکوه ارزانی کرد که (۱۵) از بسیاری شکوهی که بر چهره‌اش بود هیچ کسی نمی‌توانست به چهره‌اش بنگرد.

و پدر (مقدس) دیگری بود که خود را محبوس کرده بود و در شهر نامدار بود و او را ستایش بسیار بود. و به او خیر دادند که «یکی از قدیسین در حال درگذشتن از جهان است، بیا پیش از آنکه درگذرد او را بدرقه کن.»

و او آغاز کرد در فکر خویش (چنین) اندیشیدن که: «اگر (۲۰) در روز بروم (و) خارج شوم، مردم به سوی من خواهند شتافت و مرا شکوه خواهد بود و دل من با این (کار) موافق نیست، اما اگر به هنگام تاریکی شب بروم هیچ کس مرا نمی‌بیند.» و در تاریکی شب از حجرهٔ خویش خارج شد، زیرا می‌خواست که پنهانی برود. و، بی‌درنگ، خداوند دو فرشته فرستاد و چندین مشعل همراهشان بود و او را روشنی می‌بخشیدند. و بلافاصله همهٔ شهر شتافتند چون این شکوه را دیدند و، چون او می‌خواست که از شکوه بگریزد، ستوده تر گشت. و در اینجا کامل شد آنچه نوشته‌اند، پس [لفظاً: که] آن کسی که خویشتن را تحقیر کند سرافراز خواهد شد.

یادداشتها

برگ ۹۱، پشت

۱۰-۱۱) در نسخهٔ عربی (وصایا ← مقدمه) آمده است:

و ایضاً یقول اباشعیا فی الاتضاع

ای شیئ الاتضاع. الاتضاع هو ان یکون الانسان

عسک نفسه خاطی و آئه ما یعمل شیئ من الخیر قدام الله. (Schwartz 1967, p. 21)

(۱) *kētāni-kārē* «گناهکار» صفتی است مرکب از *kētāni* «گناه» و پسوند *kārē*

>-*kāraka** (Gershevitch 1954, § 1125). گرشویچ *kētāni* را مشتق از ترکیب *-krta* با یک پسوند نامعین می‌داند. (Ibid, § 1038)

برگ ۹۴، رو

(۱) *βōžβar* «باچ‌گیر»، صفتی مرکب از *βōž-* و *-βar* است. *βōž-* از *bāji-* «باچ» فارسی باستان (Kent 1953, p. 199) مشتق می‌شود و تنها موردی است که *ā* پس از *β* به *ō* تحول یافته است. (Gershevitch 1954, § 120 (ii)) *-βar* پسوندی است که از مادهٔ مضارع *-bara-* ایرانی باستان به معنی «برنده» مشتق می‌شود و، با معنی «دارنده»، برای ساختن صفت از اسم به کار می‌رود (در ایرانی میانهٔ غربی، این پسوند به صورت *-war* و *-bar* مشاهده می‌شود). (ابوالقاسمی ۱۳۷۸، ص ۳۲۲ (۱۰۷))

۵) سیمز ویلیامز احتمال می‌دهد که، در این سطر، māṭ «بود» اشتباهاً به جای βāt (باشد) آمده باشد. (Sims-Williams 1985b, p. 167, n.5).

۶) pyastēt βēm «آراسته می‌شویم» فعل مضارع مجهول سوم شخص جمع است، که مرکب از pyastēt «آراسته» (صفت مفعولی در حالت فاعلی جمع) و βēm (فعل اخباری اول شخص جمع) از مادهٔ β- «بودن» است.

۸) pōšātēt dārēm «انداخته‌ایم»، فعل ماضی نقلی متعددی، اول شخص جمع است. صفت مفعولی pōšātē «انداخته، افتاده» با مفعول جمله، یعنی čimta که در حالت مفعولی و جمع است، مطابقت کرده و به صورت pōšātēt درآمده است. فعل کمکی dārēm فعل مضارع اول شخص جمع از dār- «داشتن» است.

۱۲) پدز پامبو (۳۰۳-۳۷۴ م) از آباء بیابان‌نشین مصری بود. معروف است که وی به ندرت سخن می‌گفته و فقط نانی که از طریق کار دست خویش یعنی از طریق حصیریافی به دست می‌آورده می‌خورده است. (Velimirovic 1986, p. 77)

۱۴) در این سطر، دو بار به فعل γōβ «ستودن، تجلیل کردن» برمی‌خوریم. نخستین γōβ فعل امر دوم شخص مفرد (که با ادات nā، پیش از آن، تبدیل به نهی شده است) و دومین γōβ ماضی غیرتام سوم شخص مفرد است. در هر دو مورد، به علت سنگین بودن مادهٔ γōβ، فعل شناسه نگرفته است.

۱۵) t(ə)kūšt wanāz «می‌توانست بنگرد» (با nē پیش از آن: «نمی‌توانست بنگرد»)، فعل سوم شخص مفرد وجه امکانی معلوم است. t(ə)kūšt «نگریستن» (قریب ۱۳۷۴، ۹۵۸۷) مادهٔ ماضی و wanāz ماضی ساخته شده با -āz سوم شخص مفرد است.

۱۶) patkašč dārāz «زندانی کرده بود، حبس کرده بود». فعل ماضی بعید، سوم شخص مفرد است. patkašč «زندانی» صفت مفعولی مؤنث (مذکر: patkaštē) است که با مفعول مؤنث جمله، یعنی γrīw «نفس، روح» مطابقت کرده است. فعل کمکی dārāz، در اینجا، با الحاق جزء -āz ماضی سوم شخص مفرد ساخته است.

krti «شد» ماضی لازم سوم شخص مفرد است (قریب ۱۳۷۳، ص ۳۹، جدول ۲۰) و -i در پایان آن نشان می‌دهد که این فعل با فاعل جمله، یعنی p(i)tari که حالت فاعلی مفرد مذکر دارد، مطابقت کرده است.

۱۹) سیمز ویلیامز احتمال می‌دهد که فعل āyāzi ماضی غیرتام (روایی) سوم شخص

مفرد ناگذر باشد (Sims-Williams 1985b, p. 167, n. 19)، بنابراین می‌توان آن را «آغاز نمود» معنی کرد.

۲۰) šawān nižān «بروم (و) خارج شوم»، هر دو فعل التزامی اول شخص مفرد هستند. سیمز ویلیامز šawān nižān را زاید دانسته و آن را حذف کرده است (Ibid, p. 166). بنونیست نیز توالی این دو فعل و فقدان حرف ربط در بین آنها را عجیب می‌داند. (BENVENISTE 1959, p. 117)

منابع

ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۸)، دستور تاریخی زبان فارسی، ج ۲، سمت، تهران؛
 قریب، بدرالزمان (۱۳۷۲)، «نظام فعل در زبان سغدی»، مجلهٔ زبانشناسی، س ۱۰، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۷۲،
 ص ۲-۵۴؛
 — (۱۳۷۴)، فرهنگ سغدی، فرهنگستان، تهران؛

BENVENISTE, Emile (1959), "Etudes sur quelques textes sogdiens chrétiens II" *Journal Asiatique* 247, pp. 115-136;
 GERSHEVITCH, Ilya (1954), *A Grammar of Manichean Sogdian*, Basil Blackwell, Oxford;
 KENT, Roland G. (1953), *Old Persian (Grammar, Texts, Lexicon)*, American Oriental Society, New Haven;
 SCHWARTZ, Martin (1967), *Studies in the Texts of the Sogdian Christians*, Ph.D. dissertation, University of California, Berkeley;
 SIMS-WILLIAMS, Nicholas (1985a), "Abbā Isaiah", *Encyclopaedia Iranica*, vol. 1, Routledge and Kegan Paul, London-Boston and Henley, p. 70;
 — (1985b), *The Christian Sogdian Manuscript C2*, Akademie-Verlag, Berlin;
 VELIMIROVIC, Nikolai (Bishop) (1986), *The Prologue from Ochrid*, Lazarica Press, Birmingham.